

نمی گذاریم خاوران فراموش شود

" چند دریا اشک می باید
تا در عزای اردو اردو مرده بگیریم؟
چه مایه نفرت لازم است
تا بر این دوزخ نابکار بشوریم؟"
شاملو

نمی دانیم در آن شب های شفاف پر ستاره تابستان ، چه شماری از جان های آفتابی گرما بخش را پس از آن دادگاههای فرمایشی سه سؤاله در زیر خاک رازپوش این بیابان مدفون کرده اند. در عجیبیم که چگونه باور داشتند با کشتار دسته جمعی این شمعهای پرتو افکن در شبان ظلمانی و بیداد می توانند شعله پر شرار ایمان به ساختن فردایی آزاد را در تمامی جانهای شیفته انسانیت و عدالت خاموش کنند.

بر همین باور است که هر ساله در تلاشند تا با ارعاب و تهدید و زور در زندان سکوت ، حبس مان کنند که فراموش کنیم تا فراموش شوند . می خواهند برگ دیگری بر تاریخ گمشده این سرزمین بیافزایند و آنرا از حافظه تاریخی مردمانش پاک کنند : هر نشانه ای ، هر یادبودی و هر نامی را . این گورهای بی نام و نشان هنوز و همیشه می ترساندشان .

امسال هم از همان حربه قدیمی ارعاب و تهدید سود جستند و از چند روز قبل از وعده دیدار ، عده ای از یاران را به حبس فرستادند و تحت بازجویی قرار دادند . در روز جمعه ای که قرار بود همچون سالهای گذشته ، گرد این شمعهای نهفته اما نورانی ، این گنجینه پنهان درون خاک ، پروانه وار بگردیم ، دلی سبک کنیم ، عهده تازه کنیم ، بغضی بشکنیم ، اشکی بیافشانیم ، خشمی رها کنیم و در بیدادگاه پر شقاوتی که به نومیدی فرا می خواندمان دست در دست، سرود جهانی رهایی را بخوانیم، راهها بر ما بستند و بار دیگر پشت میله های زندان محبوسشان کردند، ممنوع الملاقات !! و در کمین گاههایی به انتظارمان نشستند. باز هم مادران، همسران، فرزندان، یاران، محروم از دیدار عزیزان رانده شدند: مضروب، دلشکسته، بغض آلود، خشمگین. عده ای به بهشت زهرا رهسپار شدیم قطعه ای که گنجینه پنهان جمعی دیگر از یاران بود، و بعضی دیگر در حوالی خاوران دچار همانهایی شدیم که از قبل کمین کرده بودند و بعد زد و خورد و درگیری و دستگیری ...

اما همیشه به یاد خواهیم داشت که یارانمان با مقاومت در برابر شکنجه های سفاکانه، تحمل انفرادیهای طولانی و فشارهای روحی روانی، همواره استوار و پایدار ذره ای از ایمان به اصول و مواضع انسانی خود عدول نکردند. ما خود راوی همه آن دلاوریها، امیدها و آرزوها خواهیم بود و جوانان و فرزندانمان را از تاریخ سیاهی که بر سرزمینمان گذشته و بهترین مدرک شقاوت و بی رحمی رژیم است که ادعای عدالت می کند، آگاه خواهیم کرد، و همه اسناد و شواهد را تا روزی که همه مسببین و دست اندرکاران شقی این جنایت ضد بشری به میز محاکمه کشانده شوند برای آیندگان حفظ خواهیم کرد.

حماسه این شیر آهنکوه مردان و زنان همواره بر لحظه لحظه تاریخ این سرزمین سایه خواهد افکند. هر گاه که از انسانیت دوست داشتن و دوست بودن سخن بگوییم، هر بذر امیدی که بکاریم و در هر گامی که به پیش رویم، حضورشان را احساس خواهیم کرد .

با امید به ساختن فردایی آزاد

نسرین - از ایران

30 Aug. 2008 - ۸۷/۶/۹